

استاد

کلاه تیموری

رشد آموزش
هنر
دوره هفتم
شماره ۲۶
تابستان ۱۳۹۰
۳۲

درآمد

خوش نویسی معاصر ایران، مؤلفه مهم هنری و فرهنگی است که با همت پیشروان و علاقه‌مندان این حوزه به حیات خویش ادامه می‌دهد. چالش‌های مختلف در یک‌صد سال گذشته، مانند تأثیر ظهور چاپ سنگی، گسترش چاپ حروفی و سربی و سرانجام - در روزگار نزدیک به ما - رونق رایانه زمینه افول تدریجی کارکردهای هنری و کاربردهای انگیزه‌بخش هنر خوش نویسی و به‌ویژه خط نستعلیق، خط ملی ایرانیان را فراهم کرد؛ اگرچه به دلیل ریشه‌های این استوانه تنومند، همواره ظرفیت‌های هنری و پایداری دیرپای آن وجود داشته است. کوشش چهره‌های برجسته خوش نویسی موجب شده است که این هنر همواره یکی از ارکان اصلی هنر معاصر و سنتی ایران باقی بماند؛ به طوری که اگر این حلقه مهم و تأثیرگذار نبود، گسست زنجیره تاریخی حیات این هنر رخ می‌داد و جایگاه خوش نویسی معاصر ایران نازل می‌شد.

چکیده

همگام با سایر هنرهای معاصر، هنر خوش نویسی به علت فراگیر بودن و ویژگی‌های کیفی و فنی در گستره ایران زمین زنده است و یکی از مؤلفه‌های فرهنگ و هنر عمومی شناخته می‌شود. بررسی زندگی و آثار استاد سیدحسین میرخانی، نمونه اعلا و اثرگذار در خوش نویسی معاصر ایران، کانون این مقاله است. در این مقاله پرسش اساسی این است که استاد سیدحسین میرخانی، چه قابلیت‌های هنری، اخلاقی و شخصیتی دارد که در جامعه خوش نویسی اثرگذار بوده است و نسلی از رهروان دوران ساز را برای دوام هنر ظریف خوش نویسی تربیت کرده است؟

سلوک خوش نویسی، نظام شخصیتی، روحیه معلمی، روش تعلیم، قدرت شاگردپروری، نوآوری‌های منحصر به فرد، ویژگی‌های فنی و ارزش‌های زیبایی‌شناختی از عوامل تأثیرگذاری میرخانی بر خوش نویسی معاصر ایران است.

کلیدواژه‌ها: خوش نویسی، استاد حسین میرخانی، مکتب کلهر

مقدمه

خوش نویسی معاصر ایران در فراز و فرودهای اجتماعی و فرهنگی، همواره در معرض چالش‌های اثرگذار بوده است. سرفرازی این هنر زیبا و شگفت‌انگیز دستی در درجه اول می‌تواند دست‌آوردهای هویت هنری را حفظ کند و در درجه دوم، این هنر برای ماندگاری خود به هویت و نقش آفرینی‌های تازه در روزگار معاصر نیاز دارد.

در روزگاری که جلوه‌های تازه هنرهای رقیب که گاه منشأ غیرایرانی و غیراصیل دارند، می‌تواند در به حاشیه راندن این هنر تأثیر فراوان به‌جای گذارد. بررسی و تحلیل آثار برجسته و استادان طراز اول خوش نویسی و ارزیابی راه آن‌ها می‌تواند نیروی محرک قوی و نقطه عزیمت تازه‌ای باشد. این کار می‌تواند انگیزه رهروان را افزایش دهد و در کشف شیوه‌های خلاقانه را برای تلفیق بانایزهای این زمانی هنر خوش نویسی به کار آید.^۱

سلوک خوش نویسی

استاد حسین میرخانی، فرزند سید مرتضی برغانی^۲ (ف: ۱۳۰۸ ه.ش)، خوش نویسی را نزد پدر آغاز کرد. وی در زمره فرزندان است که حرفه پدر را در محیط خانوادگی آموخت.

تین میرخانے

نمونه اعلا و اثر گذار
در خوشنویسی
معاصر ایران

او کتابت را از دوازده سالگی (۱۲۹۸) به شکل حرفه‌ای آغاز کرد. پدرش از شاگردان مستقیم کلهر بود و فرزند، در چنین محیط مستعد هنری یادگیری خط را ادامه داد. استاد سید حسین به برکت این توفیق، ادای دین به پدر هنرمند خود را فریضه‌ای کاری می‌دانست و به بهانه‌های گوناگون احترام و ارادت خویش را به وی نثار می‌کرد. همین راه و روش، سرمشق برادر بزرگوار ایشان، استاد حسن میرخانی (۱۳۶۹-۱۲۹۱) نیز بود.

بزرگ‌ترین گنجینه و دست‌مایه آموزش خوش‌نویسی استاد حسین میرخانی، درک چارچوب تکامل یافته مکتب کلهر با واسطه پدرشان بوده است. او همواره به کارگیری دست‌مایه‌های هنری کلهر را چون عادت پیسنیده، حتی در زمان پختگی خط خویش ادامه می‌داد. ایشان در لحظات آغازین کتابت، علاوه بر مشق نظری از صفحات «سفرنامه خراسان» که به خط کلهر بود، به مشق می‌پرداخت و بعد کار روزمره‌ی خود را آغاز می‌کردند. این عادت تا پایان عمرش ادامه داشت.

چارچوب هنری «محمد حسین عمادالکتاب» (۱۳۱۵-۱۲۴۰ ه.ش) که تأثیر پذیری کاملی از کلهر داشت، دست‌مایه بعدی ایشان برای غنی‌سازی نظام هندسی خوش‌نویسانه وی بود. او به کتابت «وصاف الاشراف» به خط عمادالکتاب بسیار علاقه‌مند بود و همواره از آن الهام می‌گرفت. یکی از شاگردان قدیم استاد سیر و سلوک او را در ۵۰ سالگی چنین روایت می‌کند:

عادت روزانه و آغازین استاد این بود که «یک صفحه از کتابت کلهر را پیش رو می‌نهادند و به آن نگاه می‌کردند و بدین شیوه مشق نظری را به شاگردان می‌آموختند. استاد عاشق کلهر بود و از خط

وی مست و مسحور می‌شد.» با این که ایشان در آن زمان حدود ۵۰ سال داشت و در نهایت استادی و چرب‌دستی می‌نوشت، باز خود را از سنت خوش‌نویسی بی‌نیاز نمی‌دانست. به هنر زمان توجه داشت و دارالتحریر خویش را با خطوط «کلهر»، «عمادالکتاب»، و هنرمند خلف وی «استاد علی اکبر کاوه» (۱۳۶۹-۱۲۷۵ ه.ش) زینت داده بود و همواره توصیه می‌کرد که چشم را باید با دیدن کتیبه‌های میرزاغلامرضا و میرزا عمو و عمادالکتاب آذوقه داد.^۲

مرکز قلم و قالب تخصصی

در مورد مرکز قلم و قالب تخصصی استاد حسین دو ملاحظه ضروری است: اول این که تجلی اصلی و نماد نظام هندسی نستعلیق استاد حسین میرخانی در آینه قرآن، نقطه اوج کار وی را در آثار ۱۳۳۹ می‌توان به تماشانشست. بررسی این قرآن و مختصات فنی آن نشان می‌دهد که تمام هم‌استاد حسین صرف نگارش ماندگار این قرآن شده است؛ بنابراین اگر بخواهیم در این زمینه قلم و قالب تخصصی ایشان را در خط بیان کنیم، از قلم و قالب کتابت باید نام ببریم که البته این قضاوت در گام اول روبنایی است که بیان مختصات فنی و درک دقیق از سازگاری درونی مفردات و کلمات و چیدمان هنرمندانه آن‌ها در کتابت قرآن مکمل این بحث خواهد بود. (تصویر ۱)

دوم آن که مرحوم استاد حسین میرخانی به علت ویژگی شاگردپروری در سرمشق‌های الگوآفرین دست روانی داشتند. ایشان شش روز هفته در مدت سی سال به تعلیم می‌پرداختند و به تدریج و تأنی قدرت ایشان در قلم مشقی متجلی و به اوج رسید. قلم‌مشقی و سطر‌نویسی کمال ثانوی و توانمندی دیگر استاد



تصویر ۱

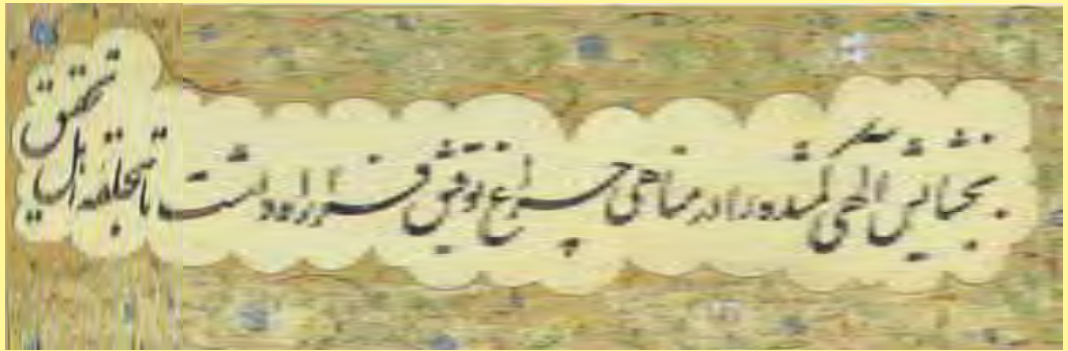
بزرگ‌ترین گنجینه
و دست‌مایه آموزش
خوش‌نویسی استاد
حسین میرخانی،
درک چارچوب
تکامل یافته‌مکتب
کلههر با واسطه
پدرشان بوده است

استاد «با طراحی و قالب‌بندی حروف و مفردات و ترکیب در کل سطر و صفحه بدعت‌گذار، نوآور بود و در مراحل نهایی کار شاگردانش وقتی تحول و تفاوت مشاهده می‌کرد، به وجد می‌آمد و شکرگذار می‌بود. ... شاگردان طراز اول خود را استاد خطاب می‌کرد. همواره توصیه می‌کرد که از روی آثار متقدمان، به‌ویژه کلههر و عمادالکتاب مشق کنند. پیوسته در صدد تغییر و تکامل خط بود.»^۶

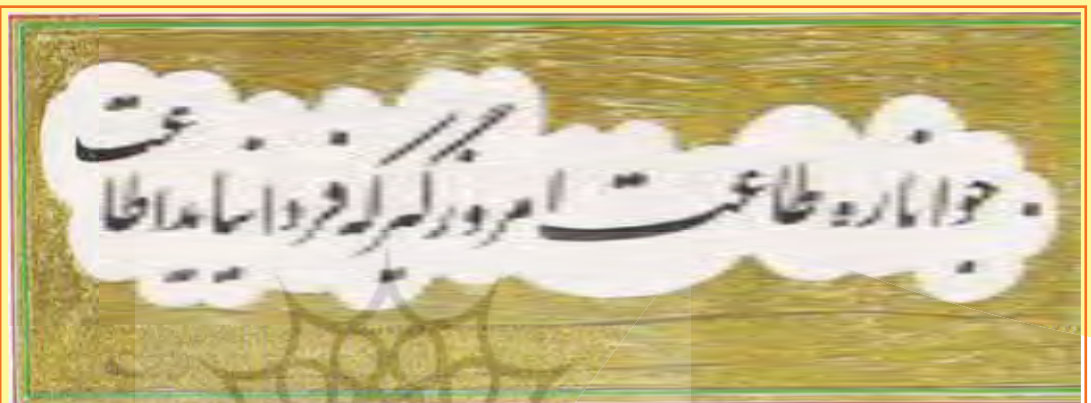
استاد محمدعلی سبزه‌کار در مورد قلم و مرکز قلم ایشان، معتقد است که «مرحوم استاد حسین قلم کتابت را به جزء وجودی خود تبدیل کرده بود و قلم سرمشقی دودانگ و سه‌دانگ (تا ۳/۵ میلی‌متر) به قولی به کرد دست و کرد وجودی ایشان تبدیل شده بود.»^۷ (تصویر ۳)

حسین میرخانی بود و به همین دلیل باید اذعان کرد که او به جای این که قطعه‌نویس باشد یک سطرنویس قهار بود. هرگونه ملاک و ارزیابی از آثار او در آینه کتابت قرآن و سطرهای او، آن‌هم در شرایط حال و هوای کلاس باید موضوع توجه شود. (تصویر ۲) این دیدگاه امروزه نظر غالب شاگردان ایشان نیز هست و آن‌ها معتقدند «استاد حسین در قلم مشقی به اوج رسیدند. قلم اصلی ایشان مشقی است و امروزه سطرها و سرمشق‌های ایشان زبانزد است. هدف نهایی استاد از انتخاب قلم مشقی رسیدن به کتابت بود که جامعه عمل پوشید.»^۴

مرحوم میرخانی معتقد بود که «پهلوانی در خط کتابت است و بیان می‌کرد کسی که می‌تواند کتابت کند و با تبحر این کار را انجام دهد، پهلوان خطاطی است.»^۵



تصویر ۲



تصویر ۳

صفحة آسمان «بسم‌الرحمن‌الرحیم» می‌نویسم که از شرقی‌ترین قسمت آسمان شروع می‌شد و تا غربی‌ترین قسمت آن ادامه داشت. وقتی از خواب برخاستم، حالتی روحانی در من ایجاد شد که به لطف آن حالت روحانی، نوشتن قرآن به خط نستعلیق را آغاز کردم و تا انجام کتابت قرآن، کار را رها نکردم.^۸

مرحوم میرخانی کتابت قرآن را از روی قرآن سلطانی که به خط نسخ نگاشته شده بود به نستعلیق برگردان می‌کند و با توجه به الگوی خط نسخ، این کاری دشوار بوده است. قرآن نخست در قطع رقعی چاپ می‌شود. (۱۳۲۳) در چاپ‌های بعد با ترجمه و تفسیر حکیم الهی قمشه‌ای نیز که به خط استاد نگاشته شده است، زیور طبع می‌یابد. بنا بر نقل اشرف‌السادات میرخانی با تجدید چاپ‌های مکرر این قرآن بالغ بر ۴۰,۰۰۰ نسخه به طبع و در دسترس

در همین جا باید بیفزاییم که قَطِ قلم استاد حسن میرخانی مخرف بود؛ به طوری که ایشان در مقایسه با استاد حسن زرین‌خط که قلم را جزم یا مستوی می‌تراشید یا استاد علی اکبر کاوه که قلم را متوسط قَط می‌زد، بیشترین زاویه تراش قلم داشت. این ویژگی در زاویه تراش قلم برادر نیز وجود داشت.

ماجرای نگارش قرآن

استاد سید حسین میرخانی، نخستین خوش‌نویس دوره معاصر بود که قرآن را به نستعلیق نگاشت. او ماجرای نگارش قرآن را در خاطره‌ای چنین بیان کرده است:

سال‌ها در فکر این بودم که قرآن مجید را با خط نستعلیق بنویسم؛ اما هرگز جرأت این کار بزرگ را به خود ندادم. تا این که شبی نزدیکی‌های سحر خواب دیدم که قلم در دست دارم و در

خوانندگان قرآن کریم قرار گرفته است. این قرآن در لاهور پاکستان به شکل نفیسی نیز چاپ شده است.

استاد حسین میرخانی با این تلاش هنری خود را در شمار پیشگامان معدود نگارش قرآن، یعنی بزرگانی چون شاه محمود نیشابوری (خوش نویس قرن دهم هجری)، میرزا اسدالله شیرازی (ف ۱۳۰۷ هـ.ق) و مرحوم دماوندی خوش نویسان دوره قاجار قرار داده است. گویی عطش نگارش قرآن در وجود استاد حسین فروکش نمی‌کند. او طرح نگارش قرآن دوم را نیز در ذهن می‌پروراند؛ به طوری که نگارش قرآن دوم استاد از سال ۱۲۸۹ آغاز و در سال ۱۳۳۳ با ۵ سال صرف وقت به پایان

رسیده و در سال ۱۳۳۹ چاپ شده است.

قلم کتابت آن سرفصلی است. قرآن در قطع رحلی به چاپ رسیده و کتابت آن نقطه، اوج قلم استاد حسین میرخانی در صفحه‌نگاری بوده است و یکی از شاه‌کارهای کتابت در خط نستعلیق نیز به‌شمار می‌آید. (تصویر ۴)

همان‌گونه که اشاره شد، در نگارش اول (۱۳۲۳) استاد حسین میرخانی کار ویژه‌ای انجام شده است؛ از روی قرآن سلطانی به خط نسخ به نستعلیق برگردانده شده و این انتقال و جابه‌جایی به خشکی خط ختم شده و علاوه بر این «در قرآن اول انباشتگی دیده می‌شود و نقطه‌های هر حرف برای رعایت آسان خوانی در نزدیکی آن‌ها گذاشته شده است؛ اما در قرآن دوم، علاوه بر اینکه فاصله سطرها بیشتر شده، فاصله نقطه‌ها نیز بیشتر شده است.»^۴ گویی در این قرآن استاد با بزرگ کردن قلم به سطر قرآنی خود وضوح بیشتری بخشیده و با آزادی عمل نقطه‌ها را الزاماً نزدیک به حروف قرار نداده است. این باعث شیرینی خط و کیفیت هنری آن شده است. قرآن دوم استاد حسین میرخانی از نظر حرکت دورانی، حروف و کلمات واجد دور بیشتری است و همین نکته به ارزش زیبایی‌شناختی آن



تصویر ۴

افزوده است.

«کتابت قرآن دوم استاد، قالب‌بندی‌های یک‌دست، کشیده‌های یکنواخت، دوایر هم‌شکل و یک‌اندازه دارد که از ویژگی‌های مهم آن است.»^{۱۰} روایت یکی از شاگردان از نحوه کتابت صفحات قرآن دوم ایشان چنین است:

در هنگام نگارش صفحات قرآن نستعلیق، استاد حسین فواصل کلمات یا سطور را آن‌طور که به شاگردان تعلیم داده بودند، رعایت نمی‌کردند و بعد از نگارش با قلم کوچک‌تری بر روی حروف اعراب می‌گذاشتند. در این موقع به شاگردان خود می‌گفتند: حال تمام صفحات صاف و صوف است، [کلمات و

حروف] دست به گردن است؛ ولی در یکدیگر ادغام نیست و به وضوح هم می‌شود خواند و رعایت خلوت و جلوت در صفحه شده است.^{۱۱}

ویژگی‌های معلمی

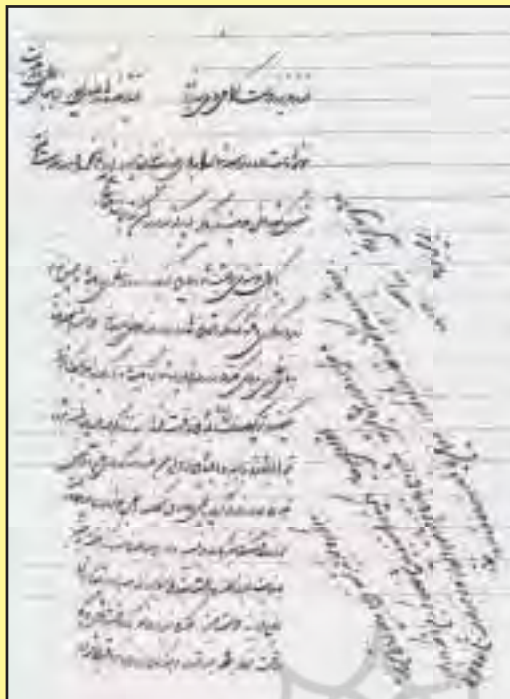
استاد سیدحسین میرخانی دفتر مرکزی دل‌باخته تدریس بود. شخصیت گیرایش از او معلمی محبوب ساخته بود. «عشق و علاقه به آموزش خط و پرورش شاگردان داشتند و به شاگردان خط می‌فرمودند: «شرط اول این وادی، عاشقی و صاف شدن است.» استاد در سبک و شیوه نگارش و تعلیم خط اثربخشی، ایجاد انگیزه، ویژگی‌های شخصیتی، معلمی واقعی و انسانی موفق بود. در سرمشق‌های وی روح عرفان موج می‌زد و از پند و اندرز و حکمت و درس زندگی مملو بود.

در کلاس او، اگر هنرجویی به علتی نتوانسته بود تکلیفش را انجام دهد، با لبخندی حاکی از رضایت و تشویق، انگیزه او را مضاعف می‌کرد. خوش قریحه بود و در شعر طبع روانی داشت و با شناخت موسیقی در ساز کمانچه استاد بود.

ذکر تمثیل‌ها و بیان خوش، چاشنی کلامش بود و خستگی

استاد سید حسین میرخانی، نخستین خوش‌نویس دوره معاصر بود که قرآن را به نستعلیق نگاشت

را از تن هنرجویان به در می آورد. عرفان، ادب و هنرش آینه صفای درونش بود و مصداق عینی صفای خط از صفای دل بود. استاد حسین و استاد حسن با وضو در کلاس حاضر می شد و انسانیت را در وجود شاگردانشان تقویت می کرد و سرمشق های وی، سرمشق زندگی بود.^{۱۲} استاد حسین میرخانی از دهه ۵۰ با وجود سن بالا، هر سال برای تعلیم شاگردان به مشهد می رفت و با اقامت های ماهانه خود زمینه ترویج و رشد خوش نویسی را برای علاقه مندان خط آن سامان بنیان نهاد. این حضور مؤثر به یک ارتباط معنوی با شاگردان ختم می شد و در سایر ماه های سال در غالب نامه های دل سوزانه پدر به پسر و استاد به شاگرد تداوم می یافت. (تصویر ۵)



تصویر ۵

در بیان نکته ها و شوگردهای تعلیمی، استاد اجلی از استاد حسین چنین نقل می کند:

«برای یافتن ترکیب زیبا در یک سطر باید جستجو کرد، چندین بار حروف و کلمات را به هم بافت و با هم مقایسه کرد و بهترین ترکیب را از آن میان برگزید، حروف و کلمات وقتی چون گره فرش به هم دیگر گره خوردند، در مجموع چشم نواز خواهند بود.»^{۱۳}

او با اشاره ای بسیار لطیف و هوشمندانه، ماجرای مشیت الهی را که بر نابینا شدن استاد حسین در اواخر عمر مقدر شده بود، با فرم ظاهری «دو چشم» مرتبط می داند: «ترکیب «های دو چشم» استاد حسین زیباترین اجراهای تاریخ هنر خط است. گویی او با نابینا شدن خود دو چشم خویش را به تاریخ تعلیم خط اهدا کرد.»^{۱۴} حسین احسنت از شاگردان دیگر وی معتقد است: «سرمشق هایش مملو از زندگی، امید، دین داری و جوان مردی بود. ایشان در سخن گفتن متین و آرام بودند و وقار ایشان با کلمات موزون روح را آرامش می داد. گرمی و نرمی و حرکت قلم در پختگی حروف و به کار بردن مرکبشان بر کاغذ همراه با آموزش خط تربیت و تزکیه روح را نیز آموزش می داد.»^{۱۵}

به تعبیر استاد محمد احصایی «استاد حسین میرخانی نیروی محرک خوش نویسی معاصر بودند و وجدان حرفه ای و عشق به مشق خط، احترام به هنرجویان از ویژگی های ایشان بوده است.»^{۱۶} استاد افجه ای می گوید: «استاد کلاس پرساعتی را می گذراند. در کتابت تأکید ایشان این بود که هر کتابی را که خواستی کتابت کنی، اولاً مصمم باش و به آخر که رسیدی، دوباره بیست صفحه اول را بنویس؛ در نتیجه یکدست و پخته می شود.»^{۱۷}

استاد حسین «در خط نستعلیق کم نظیر و از جهت اخلاق نیک و کرامت نفس و خیر خواهی و دل سوزی و وظیفه شناسی از شخصیت های برجسته تاریخ هنر بود. در تعلیم مشتاقان هنر خوش نویسی شوق فراوان داشتند و بیش از سایر استادان معاصر خود در پرورش خوش نویسان برجسته خط نستعلیق موفق شدند که ناشی از تسلط و آمادگی، سخاوتمندی در تعلیم، عشق به خدمت، ایمان و عرفان، برخورد احترام آمیز با هنرجویان، تشویق به کار بود. ایشان با هنرمندی ویژه ای که در ذهن و دست و قلم خود داشتند، زیباترین نقش نستعلیق را که نمایانگر زیبایی و استحکام و شیوه

استادان سلف (کلهر و عمادالکتاب بود) در صفحه می آفریدند.»^{۱۸} هم او بود که مهریانه به شاگردان خود یاد آور می شد:

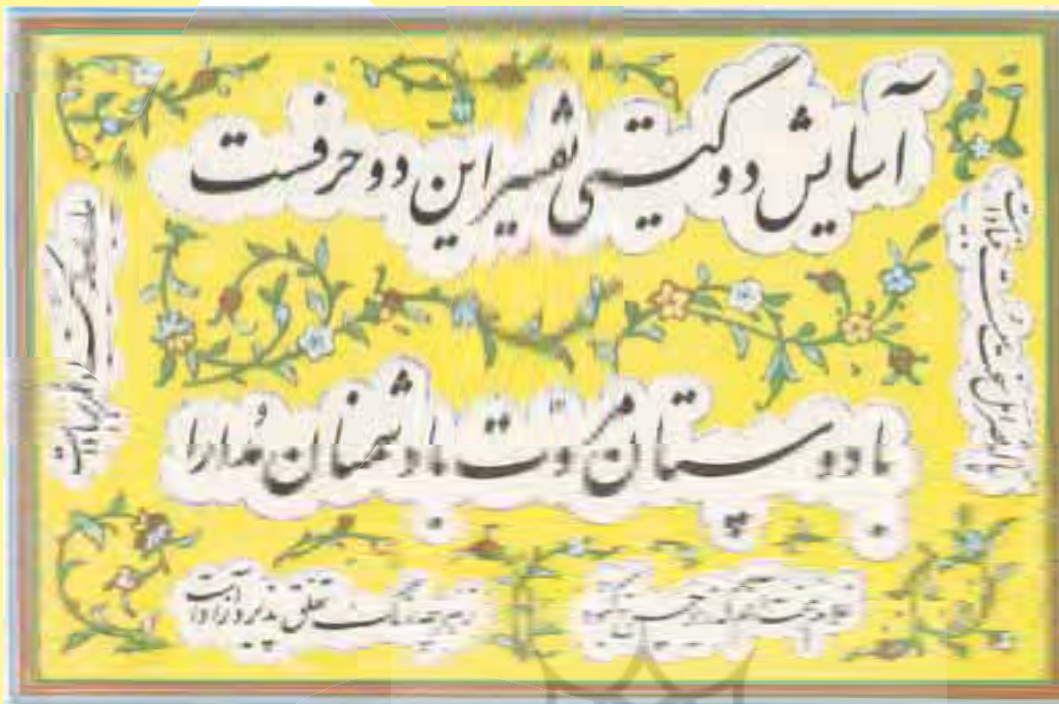
«عزیزم، ماشاءالله، خیلی خوب نوشته ای، اما بر خود مغرور نباش! چون اوست که دست تو را با خود می برد و همه زیبایی ها از اوست.»^{۱۹} در کار تعلیم شیوه آن بزرگوار «کل آموزشی» بود؛ یعنی با سرمشق دادن، به تدریج و تأنی جزئیات را می آموخت و همیشه مسیر منطقی آسان به مشکل را در محتوای سرمشق ها رعایت می کرد. استاد حاج آقا جانی در باره استاد می نویسد:

«ایشان به معنی واقعی کلمه معلم بودند و هیچ استادی را ندیدم که به اندازه استاد چنین ابعاد معلمی را در خود داشته باشد. وی موفق ترین استاد هنر خوش نویسی در زمینه تربیت شاگرد بود. ایشان راضی نبودند خطی را که از خواندن آن رضایت کامل نداشتند، برای شاگرد سرمشق بشود. ایشان آخرین دانسته ها را بدون هیچ مضایقه ای در اختیار شاگردان قرار می دادند.»^{۲۰} شاگرد و دلسوخته دیگری از اخلاص او این چنین پرده برداری می کند:

«استاد عصاره همه تجربه و واندوخته های یک عصر خوش نویسی خود را بی دریغ و در نهایت خلوص به شاگردان می آموخت.»^{۲۱}

مشخصات فنی شیوه استاد حسین

استاد حسین در گرفتن قلم منحصر به فرد بود؛ به طوری که «او قلم را در بین انگشتان خود نمی فشرد، بلکه بین دو انگشت سبابه و ابهام با آزادی مهار شده ای بر صفحه کاغذ می راند و با رعایت تمام اصول و قواعد و مفردات و ترکیباتی جذاب می آفرید.»^{۲۲} (تصویر ۶)



تصویر ۶

استاد حسین میر خانی در خط نستعلیق کم نظیر و از جهت اخلاق نیک و کرامت نفس و خیر خواهی و دل سوزی و وظیفه شناسی از شخصیت های برجسته تاریخ هنر بود

رشد آموزش
دوره هشتم
شماره ۴
تابستان ۱۳۹۰
۳۸

ابعاد فنی خط ایشان معتقد است: «خط استاد حسین میر خانی از استحکام، کمال، ترکیب، شیرینی، مزه و دور و چربی و تمام اصول کمی و کیفی هنری برخوردار است. صافی و ظرافت خطوط قدما در آمیخته با بُرش های استادان سلف (کلهر و عماد الکتاب) را در خط استاد یک جا مشاهده می کنیم. انعطاف بیش از حد معمولی که در دو انگشت سبابه و ابهام این استاد وجود داشت، رقص خاصی به کلمات می داد؛ گویی کلمات با یک آهنگ و نوای دل پذیری به رقص در می آمدند.»^{۲۶} (تصویر ۸)

«بخش آغازین کلماتی مانند «حمد» و یا ارسال هایی در کلماتی چون «تحر» نشان می دهد. استاد مدت زیادی روی برخی کلمات کار کرده است که آن ها را زیباتر اجرا کند. این حس زیبایی جویی استاد به حدی بود که وی حرکت کشیده «شید» را از نمونه خط هنر جویی بُرید و در کیفش قرار داد و با تواضع گفت که می خواهد از آن استفاده کند.

آن بزرگوار به خط نسخ اعتقاد داشت و آن را علاوه بر اینکه مادر خطوط می شناخت برای قوام بخشیدن به خط نستعلیق و محکمی دست لازم می دانست.»^{۲۷}

استاد ساعتچی خط مرحوم استاد حسین میر خانی را مانند شعر سعدی دارای ویژگی «سهل و ممتنع» معرفی می کند. استاد حسین خطی داشت که با جمالی ساده و بی آرایش هنر جو را به سوی خود فرا می خواند و به مشق وادار می کرد.

استاد علی راهجیری در مورد مختصات و شیوه خوش نویسی استاد حسین به نکته ساده مهمی اشاره دارد. او معتقد است میر خانی ها (استاد حسین و استاد حسن) خط را فهمیده و هضم کرده بودند. از نظر ایشان ویژگی استاد حسین در این بود «در خط

با این شیوه اختصاصی در نگارش «قلم کتابت را با مراعات همه دقایق از عهده بر آمده بود. در دایره مشقی نیز موفق بوده و دست خطهایی که از لحاظ شیرینی و ملاحظت کم نظیر بود، به هنر جوان سرمشق می داد. تحریرهای قرآنی وی، بلوغ هنری و توانایی سرپنجه او را نمایش می دهد. اگر توانایی استاد حسین در تربیت شاگرد نبود، هر آینه امروز شیوه کلهر و عماد در اهمال یا فراموشی قرار می گرفت و کشف ظرفیت های جدید از قالب کلمات و نیز جوهر و درون مایه سبک میر عماد، از دیدگاه زیبایی شناسی و سلیقه کلهر به نسل امروز نمی رسید.»^{۲۳}

یکی از شاگردان ایشان توصیفی دل نشین از نحوه قلم گیری ایشان نوشته است:

استاد حسین به هنگام نگارش قلم را در بین انگشتان سبابه و شست می گرفت و بدون تکیه بر انگشت وسطی می رقصاندند. استاد معتقد بودند این سیاق قلم گیری به ویژه کتابت را سهل و تشمیرات و رقص صعودی قلم را ساده تر و غماز تر می کند و در دوران و چرخش نون مؤثر است. با این که معتقد بودند که خط را باید با حوصله و دقت نوشت، برای اینکه در جلسه به همه سرمشق بدهند، تند و روان می نوشتند که خود جسارت و بدیهه نویسی خاصی داشت.»^{۲۴} (تصویر ۷)

او در مدت حضور ۲۹ ساله در کلاس های آزاد خوش نویسی و انجمن خوش نویسان حضور مؤثر و تعیین کننده و محوری داشت و بنیانگذار مؤسسه ای شد که موجب ترویج هنر خوش نویسی شد. طبع شعر ملایم و ملیحی داشت و گاهی در این عرصه تفنن می فرمود.^{۲۵}

استاد خروش یکی از شاگردان برجسته استاد حسین درباره



تصویر ۷



تصویر ۸

استاد ساعتچی خط مرحوم استاد حسین میرخانی را مانند شعر سعدی دارای ویژگی «سهل و ممتنع» معرفی می کند

رشد آموزش
دوره هشتم
شماره ۴
تابستان ۱۳۹۰
۳۹

و متن عربی بیشتر اهتمام کرده‌اند؛ به عبارتی نستعلیق را آن گونه نگاشته‌اند که به شکل اختصاصی برای قرآن طراحی شده است. درباره سایر آثار کتابتی ایشان ملاحظه می شود زیباترین سازگاری درونی و زیباشناختی بین خط نستعلیق و شعر فارسی چونان دو عنصر هم‌زاد و همراه فراهم آمده است؛ به همین دلیل کتابت شیرین و بامزه ایشان در آینه کتابت‌های فارسی قابل توجه است؛ به طوری که از این منظر کیفیت کتابت استاد حسین میرخانی در سطح بالایی از زیبایی و شیوایی است. استاد حسین در کتابت، تنها به زیبایی مطلق کلمات و چینش آن‌ها در کنار هم نظر نداشت؛ بلکه این صفت را با صفت شیوایی و خوانایی در خط تلفیق می کرد. آن بزرگوار کتاب‌های درسی را می نگاشت و همواره بر پیام‌سانی خط تأکید داشت؛ «به طوری که در خط ایشان کیفیت، علاوه بر زیبایی خط و اجرای زیبای کلمات واجد ویژگی‌هایی چون فضا سازی، جاگذاری صحیح کلمات، ایجاد فواصل حساب شده سواد و بیاض بوده تا خط به راحتی و با آرامش خوانده شود.»^۴

تأثیر بر خوش‌نویسی معاصر

استاد سیدحسین میرخانی سهم مهمی در خوش‌نویسی معاصر ایران دارد. سلوک و شخصیت روحانی، جذبه شاگردپروری، تأثیرگذاری بر آموزش، صرف وقت، نظام هندسی و خوش‌نویسانه مقبول و روش شیوه‌تعلیمی خاص از ویژگی‌های ایشان است. این نکته کلیدی است که آن مرحوم در زمانی با پایمردی به آموزش و تربیت خوشنویسان همت گمارد. گیرایی نظام هندسی خط ایشان تا آن حد بود که در آن مقطع زمانی (۱۳۳۰) که می توان آن را دوره رکود دانست، «ستعلیق معاصر اولین نگاهش

و نگارش به جای تعصب، انعطاف داشت؛ مثلاً می گفت، وقتی حرف «الف» زیر کشیده «ستا» قرار می گیرد، باید کمی از «الف» زد دید؛ یعنی آن را کوچک تر نگاشت.»^۵

آثار خوش‌نویسی استاد حسین میرخانی

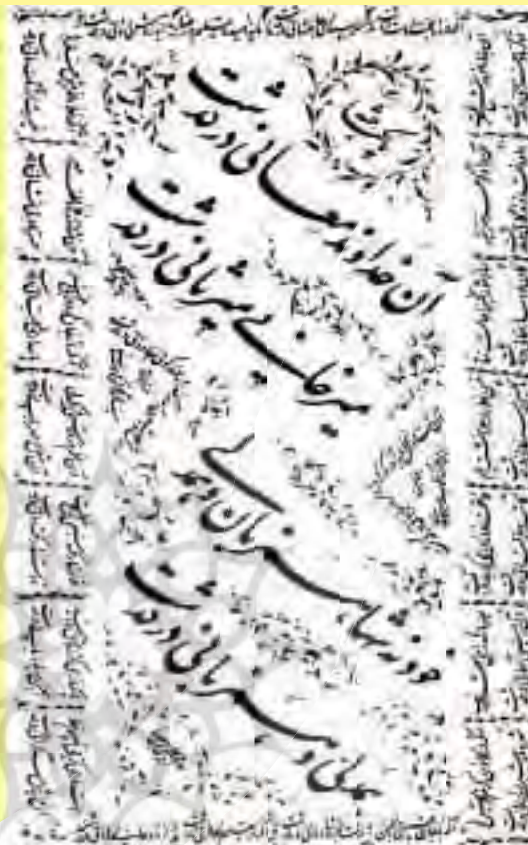
علاوه بر دو قرآن تحریر شده به خط استاد حسین میرخانی، ایشان آثار گران قدر دیگری را نگاشته‌اند که عبارت‌اند از:

۱. جزوه نماز (کتابت بسیار عالی)؛
۲. قصیده قرآنی و قصیده خاتمی، اثر مرحوم حکیم الهی قمشاهی؛
۳. مثنوی، اثر حاج محمد کریمخان کرمانی؛
۴. جزوه چهار فصل، تحریر در اواخر عمر؛
۵. رهروان شب (به خط نسخ و نستعلیق)؛
۶. موش و گربه، اثر عبید زاکانی (از آثار قدیم)؛
۷. یک دوره سه جلدی رسم المشق چاپ انجمن خوش‌نویسان (تصویر ۱۲)؛

۸. دوره سه جلدی رسم المشق برای مدارس؛
۹. کتابت دوم و سوم ابتدایی در ۱۳۳۰؛
۱۰. کتابت هندسه متوسطه در ۱۳۴۳ قمری، چاپ سنگی؛
۱۱. یک مجموعه کتاب درسی در یک جلد مشترک با مرحوم جواد شریفی؛
۱۲. کتاب ریاضی، به طور مشترک با استاد کاوه.

ویژگی‌های فنی کتابت استاد حسین میرخانی

خط استاد سید حسین میرخانی را در دو دسته از آثار می توان تحلیل کرد: نخست در مورد قرآن‌های تحریر کرده ایشان که نشان می دهد در قرآن دوم استاد حسین برای سازگاری بین خط نستعلیق



تصویر ۱۰ اثر استاد خورش

می‌کند که استاد حسین همانند هم‌نسلان خود در پسند افتادن خط و نزدیک شدن آن به سلیقه و ذوق عمومی تأثیر بارزی از خود به جای نهاده است.

جمع‌بندی

اهتمام استاد حسین میرخانی در ترویج خط نستعلیق را می‌توان در جریان‌های مهم خوش‌نویسی معاصر ایران پیگیری کرد. زیربنای دو جریان مهم خوش‌نویسی یکی شیوه و سبک

به خط استاد حسین میرخانی است؛ به طوری که جاذبه و فراگیری قابل توجه آن شیوه باعث شد که نسل جوینده آن را به الگویی یگانه و مشق‌پذیر به‌شمار آورند.^{۲۰}

بی‌تردید اگر «حضور و اهتمام ویژه ایشان نبود، خوش‌نویسی معاصر ایران امروز در جایگاهی فروتر از وضعیت فعلی قرار داشت.»^{۲۱} فرم‌شناسی آثار خوش‌نویسی معاصران که در یک طراز زیبایی‌شناسی قابل اعتنا خودنمایی می‌کند، این معنا را به خوبی القا



استاد غلامحسین امیرخانی و (تصویر ۹) دیگری شیوه و سبک استاد کیخسرو خروش، بر اساس نظام هندسی آن بزرگوار تنظیم و ترسیم شده است. این دو جریان آثار مثبتی را در خوشنویسی کَمّی و کیفی معاصر از خود برجای نهاده‌اند که گرچه میوه‌های تازه‌ای به‌بار آورده‌اند، همچنان از آن ریشه‌ی اولیه آبیاری و تغذیه می‌شود. (تصویر ۱۰)

استاد حسین میرخانی با گشودن راه نگارش قرآن در دوره معاصر، رهروان پر توانی را برای ادامه کار به این حرکت معطوف کرد، به طوری که تا پایان سال ۱۳۸۹ بیش از ده قرآن توسط خوش‌نویسان مطرح و جوان به خط نستعلیق نگارش شده است و این تلاش‌ها بیش از هر دوره زمانی به سازگاری متن قرآن با خط نستعلیق انجامیده و امروزه کاربرد واژه «نستعلیق قرآنی»، واژه‌ای است که با داشتن بار زیبایی‌شناختی قابل توجهی هم‌نشینی و تلاقی حکمت و هنر را عملی ساخته است. این حرکت مدیون تأثیر استاد سید حسین میرخانی و پیشگامی وی در این عرصه است.

نکته بعدی این است که استاد حسین میرخانی احیا کننده خط نستعلیق و ماندگار و پایدار کننده آن با تربیت بیش از ۵۰ شاگرد اثرگذار در دوره فعلی است و هنر ایشان در کنار شخصیت معنوی آن بزرگوار باعث شده است که در سی سال اخیر بیشترین بزرگداشت‌های هنری به بهانه شخصیت اثرگذار وی برگزار شود.

در این مقاله تلاش بر این بود که گوشه‌هایی از تلاش هنری پرفروغ استاد حسین میرخانی نشان داده شود. بدون تردید واکاوی نقاط ناشناخته استاد ظرفیت‌های بیشتری دارد که امید است سایر محققان به آن اهتمام ورزند.^{۳۳}

سال شمار زندگی استاد حسین میرخانی

- ۱۲۸۶ - تولد در تهران
- ۱۲۹۶ - آموزش خط در نزد پدر
- ۱۲۹۷ - آغاز به کار کتابت و خوش‌نویسی
- ۱۳۲۰-۱۳۱۵ - کتابت کتاب‌های درسی
- ۱۳۲۳ - کتابت قرآن به خط نستعلیق بدون ترجمه
- ۱۳۲۴ - کتابت تقریرات حاج محمد کریم خان کرمانی
- ۱۳۲۷ - کتابت ترجمه قرآن
- ۱۳۲۸ - نگارش و کتابت دومین قرآن به مدت ۵ سال
- ۱۳۲۹ - آغاز کار در کلاس‌های آزاد خوش‌نویسی وزارت فرهنگ و هنر
- ۱۳۳۰ - کتابت کتاب‌های دوم و سوم ابتدایی
- ۱۳۳۱ - کتابت قصیده قرآنی
- ۱۳۳۲ - کتابت قصه «هوش و گربه» از عبید زاکانی
- ۱۳۳۴ - کتابت قصیده خاتمه
- ۱۳۳۵ - کتابت «یونسیه و اواراد مقدماتی» از دکتر جواد نوربخش
- ۱۳۳۹ - چاپ قرآن دوم (رحلی و وزیر فایز ترجمه)
- ۱۳۴۴ - کتابت رسم‌المشوق و «موزش خط» سال‌های اول تا سوم دبیرستان
- ۱۳۴۶ - مشارکت در بنیانگذاری انجمن خوش‌نویسان ایران
- ۱۳۴۸ - کتابت دوره سه‌جلدی رسم‌المشوق
- ۱۳۵۳ - کتاب مشنوی چهار فصل، حاج محمد کریمخان کرمانی
- ۱۳۵۵ - دریافت گواهی‌نامه استادی ارشد
- ۱۳۶۱ - درگذشت در ۱۳۶۱/۱۲/۱۱ و دفن در مسجد فیروزآبادی شهرری.^{۳۳}

پی‌نوشت

۱. نگارنده با نهایت تأسف خیردار شد که سرکار خانم اشرف‌السادات میرخانی دختر ارشد استاد سید حسین میرخانی به علت بیماری قند از ناحیه چشم دچار بیماری شده‌اند. از خداوند بزرگ و با توسل به جد معصوم ایشان، سلامتی و تندرستی این خدمت‌گذار عرصه فرهنگ و هنر را می‌خواهم.
۲. مرحوم سید مرتضی برغانی از شاگردان مرحوم کلهر بود که سال‌ها در هندوستان اقامت داشت و کتاب‌ها را برای چاپ سنگی می‌نگاشت. آن مرحوم شاهنامه را نیز کتابت کرده بود و دست‌آوردهای هنری خود را به دو فرزندش استاد سید حسین و سید حسن میرخانی منتقل کرد.
۳. شمس انوری ص ۱۶۱
۴. استاد محمد علی گرجستانی ص ۱۸۱
۵. اشرف‌السادات میرخانی ص ۲۷۱
۶. استاد گرجستانی ص ۱۸۲
۷. گفت‌وگوی نگارنده با استاد محمدعلی سبزه‌کار، ۸۹/۹/۱۳
۸. عباس میرخانی ص ۴۰
۹. گفت‌وگوی نگارنده با استاد محمد صادق احدپور، ۸۹/۹/۱۳
۱۰. مرحوم اخویان تهرانی، ص ۶۰
۱۱. شمس انوری، نقل به مضمون، ص ۱۶۴
۱۲. استاد حسن آهنگران، ص ۲۰
۱۳. استاد قربانعلی اجلی، ص ۴۸
۱۴. استاد قربانعلی اجلی، ص ۴۸
۱۵. حسین احسنت ص ۵۴
۱۶. استاد محمد احصایی، ص ۵۶
۱۷. استاد نصرالله افجه‌ای، ص ۶۳
۱۸. استاد عباس اقبال آل‌آقا، ص ۶۴
۱۹. شمس انوری، ص ۱۵۸
۲۰. استاد حاج‌آقاچانی، ص ۹۰
۲۱. استاد سید علی حسینی‌پور، ص ۹۱
۲۲. استاد اقبال آل‌آقا، ص ۶۶
۲۳. استاد غلامحسین امیرخانی، ص ۷۰
۲۴. شمس انوری، ص ۱۵۶
۲۵. استاد غلامحسین امیرخانی، ص ۷۱
۲۶. استاد کیخسرو خروش، ص ۹۸
۲۹. ناصر صرافان
۲۷. گفت‌وگوی نگارنده با استاد اکبر ساعتچی، ۸۹/۹/۲۷
۲۸. گفت‌وگوی نگارنده با استاد علی راهگیری ۸۹/۱/۱۵
۲۹. گفت‌وگوی نگارنده با استاد اکبر ساعتچی، ۸۹/۹/۲۷
۳۰. گفت‌وگوی نگارنده با احسان حسینی، محقق، ۸۹/۹/۲۷
۳۱. گفت‌وگوی نگارنده با احسان حسینی، محقق، ۸۹/۹/۲۷
۳۲. به عنوان مثال مرحوم سیف‌الله یزدانی (۱ بار)، مرحوم حسن سخاوت (۱ بار)، محمدصادق احدپور (۱ بار)، فریبا مقصدی (۲ بار)، منوچهر نوح سرشت (۱ بار)، میثم خادم‌ان (۳ بار)، خانم دشتیان (۱ بار)، رضا آسمانی (۱ بار)، حسین نوروزی (۱ بار) قرآن را به خط نستعلیق نگاشته‌اند.
۳۳. ویژه‌نامه تندیس، شهریور ۱۳۸۹

منابع

۱. میرخانی، اشرف‌السادات (۱۳۷۷)، مروری بر زندگی استاد حسین میرخانی، نشر فرهنگستان، تهران.
۲. میرخانی، اشرف‌السادات (۱۳۶۲)، یادنامه اولین سالگرد درگذشت استاد حسین میرخانی، تهران، ناشر، مؤلف.
۳. نشریه تندیس (دوهفته‌نامه هنرهای تجسمی)، (۷ شهریور ۸۹) ویژه‌نامه استاد حسین میرخانی.
۴. انجمن خوش‌نویسان ایران (اسفند ۱۳۵۹)، سرمشق‌هایی از استاد حسین میرخانی، تهران.
۵. نشریه صبح پنج‌شنبه، (۱۳۶۱)، صفحه فاصدک.